

متن پرسش

به نام خدا با عرض سلام در روایتی هست خدا به حضرت داود فرمود فلان شخص ریاکار است وقتی مرد حضرت به تشیع نرفتند خداوند خطاب فرمود چرا نرفتی عرض کرد خودت فرمودی ریاکار است خداوند فرمود اری ولی موقع دفن چهل نفر گفتند ما هیچ بدی از او ندیده ایم من هم او را آمرزیدم (روایت نقل به مضمون شد) حال با توجه این که علم و عمل جو هرند و انسان ساز و تطلع علی الافئده که اعمال ادمی از درون جان او نشات می گیرد و این که قیامت صورت اعتقاد و اخلاق و اعمال انسان است و این که مثلاً پیا مبر می فرماید اگر کسی ذره ای کبر در قلبش باشد به بهشت نمی رود چه می شود اساساً با گفتن چند نفر انهم با این که همه می دانند حرفشان حقیقت نیست همه این مسائل حل می شود و آیا این روایات تجری بر گناه نمی آورد؟

متن پاسخ

باسمه تعالی : سلام علیکم: این نوع روایت ظرائف خاص خود را دارد اولاً: عنایت داشته باشید که می فرماید چهل مؤمن اظهار کنند که او آدم خوبی بوده. چهل مؤمنی که خدا آنها را مؤمن بداند نه هرکسی. ثانیاً: روایت می رساند که قلب این چهل مؤمن وجهی از شخصیت آن فرد را درک می کرده اند که نسبت به آن وجهی که حضرت حق به حضرت داود خبر دارد متفاوت بوده و ظریف بودن کار در همین است که خدا مؤمن است □ یکی از اسماء الهی مؤمن می باشد □ حال خدا در مقام قلب این چهل مؤمن وجه دیگر آن فرد را مدّ نظر قرار داده و عملاً می خواهد به حضرت داود «علیه السلام» بفرماید می تواند وجهی از نور خدا و هدایت الهی را نسبت به عالم و آدم در قلب مؤمنین دنبال کند. و جریان «و شاورهم فی الأمر» که خداوند به رسول خودش دستور می دهد در همین رابطه است و این غیر از دموکراسی است که فکر کنیم در ذهن و زبان هرکس می توان حق را پیدا کرد. هرچه انسانها مؤمن تر باشند نظرشان به حق نزدیک تر است و دموکراسی واقعی وقتی است که جامعه با نور ایمان خود در امری متقن شوند. از این روایت می فهمیم که می توان از اسمی از اسماء الهی به اسمی دیگر از اسماء او رجوع کرد و او نیز با آن اسمی که ما به او رجوع کرده ایم بر ما تجلی می کند. خوشا به حال آنانی که با رجوع به مؤمنین و رعایت حقوق آنها دل آنها را نسبت به خود نرم می کنند تا دل حق را که او نیز مؤمن است به خود جلب کنند. موفق باشید